

جایگاه تربیت عقلانی در اندیشه آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه

فاطمه طائی اصفهانی*

علیرضا زکی زاده رنانی**

چکیده

یکی از مباحث مهم در نظرات علمای اسلامی، این است که آیا عقل در حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ در استناد و توجه به عقل، به عنوان یکی از مسیرهای کسب معرفت، اندیشه‌های متفاوتی وجود داشته است؛ دیدگاه‌هایی که عقل و وحی را مقابل یکدیگر دانسته یا به تفکیک آن‌ها پرداخته‌اند که منجر به نادیده انگاشته شدن عقل یا وحی و یا کم‌رنگ شدن آن‌ها شده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین تربیت عقلانی از نگاه آیت‌الله ناصری، به عنوان یکی از عالمان مشهور تربیتی، تدوین شده است؛ چرا که جمع‌کردن میان عقلانیت و مباحث نقلی برای کسب معرفت دینی، در کلام ایشان، نمود بارزی دارد. این عارف حکیم، نه عقل‌گرایی افراطی را می‌پذیرد و نه عقل‌ستیزی را برمی‌تابد. بیان قواعد عقلانی، اشاره به دلیل، تقریر استدلال، برشمردن فوائد و ضرر برخی مسائل، استفاده از مباحث عقل و علم در کلام آیت‌الله ناصری را می‌توان نمونه‌هایی از مباحث تربیت عقلانی در اندیشه ایشان دانست. در این پژوهش، تربیت عقلانی در آثار آیت‌الله ناصری، در هر سه بُعد عقلانیت، مورد بررسی قرار گرفته است. عقلانیت بنیادین با استدلالات و براهین؛ مانند معجزه بودن طول عمر امام زمان علیه السلام، عقلانیت ارزش‌ها با انتقادات به بینش‌ها و روش‌های

* دانش‌پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه اصفهان (نویسنده مسئول): d.esmaely@yahoo.com

** دکتری شیعه‌شناسی، پژوهشگر مدرسه عالی فقه اصفهان: a.zakizadeh@ymail.com



نا درست و ارائه نمونه‌های اخلاقی و الگوهای عملی؛ مانند مباحث مربوط به متقین و عقلانیت ابزاری؛ مانند تفسیر ایشان از آیه ۴۱ سوره حج، نشان می‌دهد که هر سه بُعد عقلانیت در راستای تربیت عقلانی، مورد توجه ایشان بوده است. کلیدواژه: آیت‌الله ناصری، تربیت عقلانی، عقلانیت بنیادین، عقلانیت ارزشی، عقلانیت ابزاری.

بیان مسأله

یکی از مباحث مهم در سیره‌شناسی عالمان دینی، این است که آنان از چه ابزاری در تبیین دین بهره می‌گیرند؟ از آنجا که علمای دین، مخاطب خود را فقط مسلمانان یا مؤمنان نمی‌دانند، توجه ایشان به مخاطبینی است که برای فهم مبانی دینی، علاوه بر نقل، نیازمند استدلالات عقلی می‌باشند؛ همین امر، باعث شده در موارد بسیاری، از دریچه عقلانیت به تربیت انسان‌ها بپردازند. بر این اساس، نظر اسلام و تفکر اسلامی در جمع کردن میان عقلانیت و دینداری را می‌توان در اقوال و سیره ایشان یافت. این عملکرد، همواره مورد سفارش پیشوایان دین علیهم‌السلام بوده که همنشین علما باشید تا دانش شما افزایش یافته، ادب و جان شما نیکو و پاک گردد.^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۰). در حقیقت، متربی دینی در کلام تربیتی علمای جامع‌نگر، همیشه گروه خاصی از انسان‌ها با توجه به نگرش فکری یا روانی معین نیستند که معطوف به آنان شوند و از دیگر رویکردها و نگرش‌ها غفلت نمایند.

رایج‌ترین کاربرد تعلیم و تربیت، بر عقلانیت، یعنی پرورش اندیشه دلالت دارد. استدلال و عقلانیت و پرورش آن، از دیرزمان، به‌عنوان آرمان اصلی بُعد عقلانی انسان از منظر فلسفه غرب و فلسفه تعلیم و تربیت در نظر گرفته شده است. (علوی، ۱۳۹۳: ۴۵). ایدئالیست‌ها معتقدند: مهمترین عامل تربیت در هر سطحی این است که به مخاطب، تفکر را بیاموزیم؛ زیرا اندیشیدن، موجب تغییر زندگی خواهد شد و در اثر توسعه قدرت فکر کردن، به موجودات عالی‌تر و گرامی‌تر مبدل خواهند شد. (همان: ۴۸). در دنیای غرب، تعلیم ارزش، به‌خصوص ارزش‌های دینی، حمله تفکرات لیبرالیستی را به دنبال دارد؛ چون آموزش ارزش، نوعی تحمیل عقیده و شستشوی مغزی قلمداد می‌شود. (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۷) و از طرف دیگر، در نهادهای دینی به‌خصوص کلیسا، موجب تبدیل تربیت عقلانی به مفهومی متضاد با تربیت



۱. «جالس العلماء یزدد علمک و یحسن أدبک و یرک نفسک».



دینی شده است و جانب دین را گرفته‌اند. این مسأله در میان متفکران اسلامی نیز وجود دارد که برخی عقل را از دین، جدا می‌دانند یا به تفسیر خاصی از عقل قائل‌اند که نهایتاً جدایی دین از عقل یا رها کردن یکی از دو طرف را در پی خواهد داشت. (همامی و اکبرزاده، ۱۳۹۱).

در زمینه تربیت عقلانی نیز می‌توان از کتاب تربیت اسلامی (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶) نام برد که چند مورد از روش‌های ذکر شده در این کتاب را می‌توان در روش‌های تربیت عقلانی گنجاناد؛ هر چند ایشان ذکری از تربیت عقلانی در آنجا نداشته‌اند؛ یا مقاله تربیت عقلانی (علوی، ۱۳۹۳: ۴۵-۶۸) که به بیان چند روش تربیتی در جزء بیست و هفتم قرآن اشاره دارد و یا مقاله نگرشی بر جامعیت قرآن از روزنه تربیت عقلانی که به بحث و بررسی جامعیت قرآن در تربیت عقلانی پرداخته است. (زکی زاده و طائبی، ۱۳۹۹: ۵۳-۷۴) علاوه بر این موارد، می‌توان به کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی اشاره نمود که به ذکر ادله بر فتوای به دخول عقل در هندسه معرفت دینی می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶) و نیز به مقالات متعدد در زمینه عقاید و نظرات مکتب تفکیک پرداخت که این گروه قائل به عقل برهانی نمی‌باشند. (همامی و علی اکبرزاده، ۱۳۹۱) در این راستا، مقاله حاضر به بررسی کلام و اندیشه آیت‌الله ناصر، از روزنه تربیت عقلانی نگریسته که تا کنون هیچ پژوهشی، این چنین سامان نیافته است؛ گفتنی است که دین اسلام، یکی از بارزترین مبانی تربیت دینی را تربیت عقلانی معرفی نموده است؛ بر این اساس، روش‌های تربیت عقلانی متنوعی که در کلام علما مطرح شده، مؤیدی بر جامعیت اندیشه ایشان می‌باشد.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. آیت‌الله ناصر رحمته‌الله‌علیه

آیت‌الله محمدعلی ناصر رحمته‌الله‌علیه در سال ۱۳۰۹ شمسی در دولت‌آباد اصفهان، دیده به جهان گشودند. پدرشان، حاج شیخ محمدباقر، عالمی زاهد، وارسته و اهل عبادت بودند. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ص ۱۶) ایشان فرزند حاج عابد، از علمای معاصر اصفهان بودند که در دولت‌آباد اصفهان متولد شده و در ۳۰ سالگی تحصیل علوم دینی را آغاز کردند. (مهدوی، بی تا، ص ۱۰۶) شیخ محمدباقر ناصر رحمته‌الله‌علیه که بهره‌های فراوان علمی و عملی از عالمانی همچون آخوند کاشی رحمته‌الله‌علیه، جهانگیرخان قشقایی رحمته‌الله‌علیه و حاج آقا رحیم ارباب رحمته‌الله‌علیه داشتند، برای ادامه تحصیل علم و تقوا، رهسپار نجف اشرف می‌شوند. پس از دو سال اقامت در جوار امیرمؤمنان علی علیه‌السلام،





مادر به دیدار حق می‌رود و پدر ایشان، یک سال پس از رحلت مادر، به ایران بازگشته و فرزند هفده ساله خود را به امیرمؤمنان می‌سپارد. جوار حضرت امیر علیه السلام و ارتباط با عالمان وارسته، بهترین زمینه را برای رشد و ترقی معظّم له فراهم می‌کند و ایشان نیز از این فرصت و موقعیت، به بهترین شیوه استفاده می‌نماید. (هادی زاده، ۱۴۰۱ق: ۲۰-۲۱) آیت الله ناصری رحمته الله علیه، صبح جمعه، چهارم شهریورماه ۱۴۰۱ در ۹۲ سالگی، به دلیل بیماری و کهولت سن، دعوت حق را لبیک گفت و به ملکوت اعلا پیوست. روز یکشنبه ششم شهریور ۱۴۰۱، پیکر آیت الله در میان خیل عظیم از دوستان ایشان، در اصفهان تشییع شد و در گلستان شهدای اصفهان، به خاک سپرده شد.

۲. تربیت عقلانی

۱. مفهوم‌شناسی تربیت: واژه تربیت، از ریشه «ر ب و» و «ر ب ب» و در باب تفعیل آمده است که به معنای زیادت و فزونی است. (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰) ربا نیز از آن رو که زیادتی بر اصل مال است، بدین نام خوانده می‌شود. (باقری، ۱۳۹۴، ۵۱: ۱) البته برخی افراد قائل اند که صرف نظر از اینکه ریشه تربیت را «ر ب ب» در نظر بگیریم یا «ر ب و»، در ماده این دو، شباهت‌هایی وجود دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱: ۴۰۱؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ۲۵)

در قرآن، مفهوم تربیت (از ریشه ر ب و) چندان مورد توجه نمی‌باشد و با تفحص در این واژه و موارد استعمال آن در قرآن، اصطلاحاً تربیت اسلامی را نمی‌توان تبیین نمود؛ زیرا در مواردی که این کلمه در رابطه با انسان به کار رفته، عمدتاً مفهوم رشد و نمو جسمی مراد بوده است. (باقری، ۱۳۹۴، ۵۲: ۱؛ ۱۳۸۹: ۱۰۱) در مقابل، علی‌رغم دامنه محدودی که کلمه تربیت از «ر ب و» داشت، ماده «ر ب ب» و استعمال و مشتقات آن در رابطه با انسان، موارد متعددی را به خود اختصاص داده است. «ر ب ب» دو عنصر معنایی دارد: مالکیت و تدبیر؛ پس رب به معنی مالک مدبر است. (باقری، ۱۳۹۴، ۵۳: ۱)

۲. مفهوم‌شناسی «عقلانیت» و «تفکر»: عقل، نقیض جهل بوده (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۵۹) و به وسیله‌ای که شتر را با آن می‌بندند، «عقال» گفته می‌شود؛ چون شتر را از حرکت باز می‌دارد. (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۴۲۵). راغب اصفهانی عقل را چنین تفسیر می‌کند: القدره المتهیئة لقبول العلم و فقدّها یرفع التکالیف الشرعیة (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۷۷): نیرویی است که آماده پذیرش علم است و نبودن آن تکالیف شرعی را از انسان برمی‌دارد. عقل در لغت‌شناسی و در کاربردهای قرآنی به معنای فهم و معرفت است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۵: ۲۸) عقل انسانی قوه‌ای از قوای نفس انسانی



است که کارش تفکر، رویت، نطق و تمییز است. (نجاتی، ۱۳۸۵: ۱۱۱؛ اخوان الصفا، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۸۲) قوه مفکره، مرحله‌ای است که ادراک حسی، به ادراک عقلی مبدل می‌شود. (همان) عقل عملی، قوه‌ای است که معقولات عملی حاصل از تجربه را می‌پذیرد؛ یعنی ایجاد صورت‌های خیالی از راه فکر و استنباط. (نجاتی، ۱۳۸۵: ۲۳۶) عقل نظری، قوه‌ای است که معقولات کلی را درک می‌کند. برای درک این معقولات، ابتدا به حس و بعد به تخیل نیازمندیم. (همان: ۲۳۷)

ابن سینا می‌گوید: بدان که انسان، دارای سه نوع ادراک است: (۱) با حواس پنجگانه که لمس و ذوق و شمع و بصر و سمع است. (۲) منتزع از ماده است که آن را مخیّل و موهوم خوانند. (۳) معقول است و از راه عقل، ادراک آن حاصل می‌شود. (ابن سینا، ۱۳۸۳: ۳-۴) در نهایت، مفهوم عقل از حیث معقول و مدرک آن به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) عقلانیت بنیادین: که شناخت فلسفه زندگی و تنظیم رابطه انسان با جهان و خدای متعال را عهده‌دار است؛ (۲) عقلانیت ارزش‌ها: که معماری نظام ارزشی و اخلاقی و تنظیم مناسبات هنجاری انسان را برعهده دارد؛ (۳) عقلانیت ابزاری: که مهندسی، اندازه‌گیری، پیش‌بینی و تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی را برعهده می‌گیرد. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲)

۳. مفهوم‌شناسی تربیت عقلانی: برای تعریف تربیت عقلانی، علاوه بر شناخت مفردات که صورت پذیرفت، به ترکیب آن باید توجه نمود. تربیت عقلانی، آموزش اندیشیدن است، نه اندیشه؛ زیرا تفکر، مسأله اساسی تربیت است. (شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۹) امروزه بر پرورش مهارت‌های اندیشیدن، سفارش شده است؛ نه انتقال صرف دانش و اطلاعات. تربیت عقلانی، به جای آموزش مفاهیم، بر آموزش فهم تأکید دارد. (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۶) پس تربیت عقلانی در الگوی اسلامی، عبارت است از: فرآیند رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی نظری و عملی. (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۲: ۲۷)

ب) روش‌های تربیت عقلانی در کلام آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه

جویندگان حقایق عقلی، در قرآن و کلام معصومین و کلام علما - که برگرفته از دو منبع پیشین است - مطالبی را می‌یابند که عقل آنان را ارضا می‌نماید. زمانی که این منابع در عرصه عقلیات، آن‌ها را به اعتماد بر دلیل و برهان و دیگر روش‌های عقلانی فرامی‌خواند، توجه بیشتری به





منابع دینی مبذول می‌دارند.

عبّاس محمود العقّاد می‌گوید: از دیدگاه اسلام، کنکاش عقلی راهی است که از طریق آن، وجدان و قلب انسان به حقیقت می‌رسد، و اندیشیدن بابتی از ابواب هدایت است که به وسیله آن، ایمان تحقّق پیدا می‌کند. (قرضاوی و سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

روش‌هایی که در این مقاله ارائه می‌شود، جامعیت کلام علما در ارائه راهکارهای رشد و تربیت را نشان می‌دهد؛ علاوه بر آن، جامعیت روش برخورد ائمه علیهم‌السلام در برخورد با مخاطبین و بهره‌برداری از همه جوانب عقلانیت در تربیت را اثبات می‌نماید.

۱. تربیت عقلانیت بنیادین

عقلانیت بنیادین، شناخت فلسفه زندگی و تنظیم رابطه انسان با جهان و خدای متعال را عهده‌دار است. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲) شناخت فلسفه زندگی در تنظیم ارتباط با ولی خدا نیز در همین راستا قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از این نوع تربیت عقلانیت در اندیشه آیت‌الله ناصری رحمته‌الله، عبارت است از:

۱-۱. تنظیم رابطه با جهان: تبیین مدیریت عالم وجود

یکی از روش‌های تربیت عقلانی، تذکر و تبیین در امورات و تدبیرات عالم وجود است. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله با توجه به بررسی متون زیارات، به تبیین مدیریت عالم وجود پرداخته است. ایشان می‌فرماید: در زیارت حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام آمده است که حق هر تصمیمی در عالم وجود با اهل بیت علیهم‌السلام است: «إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْتَبُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ يُبُوتِكُمْ». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸: ۳۰۱) اراده پروردگار در مدیریت امور، به سوی شما نازل و از خانه‌های شما صادر می‌شود. اراده حضرت حق در تقدیرات عالم وجود، در خانه اهل بیت علیهم‌السلام نازل می‌شود و احکام از آنجا به موجودات صادر می‌شود. چه اثری بالاتر از این برای امام زمان علیه‌السلام می‌خواهی؟ همچنین در زیارت رجبیه می‌خوانیم: «أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّقْوِيضُ». (ابن طاووس، ۱۴۱۹: ۳: ۱۸۴) من خواهنده و آرزومند شمایم در آن چیزهایی که در اختیار شما است. خداوند، مدیریت عالم وجود را به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام واگذار کرده است. اگرچه حضرت حق، ربّ است؛ لکن این مدیریت را به مقام ولایت تحویل داده است. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۳۷).

۲-۱. کاربرد تمثیل در تنظیم ارتباط با ولی خدا

کاربرد تمثیل در منابع دینی، بیانگر این است که در ارائه مطالب، هم مخاطبین با هوش و فراست در نظر گرفته می‌شود هم مخاطبین ساده‌تر؛ از این رو، یکی از روش‌هایی که در تربیت مخاطب ارائه می‌نماید، تمثیل و تنظیر است تا هرکس به فراخور ذکاوت خود، از سفره دین برچیند. یکی از موارد تربیت عقلانی در سیره معصومین، پاسخگویی به سوالات افراد در زمینه‌های مختلف است؛ به‌طور مثال در کتاب سخن دوست، آیت‌الله ناصری به این مطلب اشاره دارد که: «وَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ كَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْعَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ فَقَالَ: كَمَا يُنْتَفَعُ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ». (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۶۸) از امام صادق علیه السلام سوال شد: یابن رسول الله! مردم از حجتی که غایب و پنهان است چگونه بهره‌مند می‌شوند؟ فرمودند: همان‌طور که مردم از خورشید در هنگامی که ابرها آن را می‌پوشانند، بهره می‌برند، از وجود مقدس امام زمان هم در زمان غیبت، بهره‌مند می‌شوند. این تشبیه زیبا، نکات زیادی دربر دارد که آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه در سخنان خود بیان کرده است و در توضیح بند بعد، به تفصیل مطرح می‌شود. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱پ: ۲۳)

۳-۱. بیان نکات و تحلیل روایات در تنظیم ارتباط با ولی خدا

بیان نکات و تحلیل روایات نیز می‌تواند از دیگر موارد تربیت عقلانی به‌شمار آید. آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه در تبیین تشبیه فوق، به خوبی و با بیان شیوا، قوه عاقله را به تفکر واداشته و نکات شیرینی بیان می‌دارند: نکته مهم در تشبیه حدیث پیش‌گفته، این است که امام زمان علیه السلام سبب بقای عالم است. این نکته را از روایت قبل برداشت نموده و به تبیین آن پرداخته است؛ همان‌گونه که خورشید سبب حیات و بقای منظومه شمسی است و زمین وابسته به خورشید است، حضرت بقیة الله علیه السلام هم سبب بقا و رشد و نمو و عالم است. (همان: ۲۴)

نکته دیگر از حدیث مذکور، لطف عام حضرت است؛ به این معنا که همان‌گونه که خورشید برای همه موجودات نافع است، خیر و برکت حضرت بقیة الله علیه السلام نیز عام بوده و به همه موجودات می‌رسد. (همان)

نکته آخر، اینکه هر مقدار که ابرها کمتر باشد، فایده خورشید برای عالم ماده، بیشتر خواهد بود و هرچقدر ابرها بیشتر شدند، منفعت خورشید و نور آن که موجب رشد و نمو و موجودات است، کمتر خواهد بود. این مطلب در رابطه انسان با حضرت حجت هم صادق





است؛ هر چقدر که انسان حجاب ظلمانی اش کمتر باشد، از انوار قدسی حضرت بیشتر بهره می برد و بالعکس. (همان: ۲۵).

۲. عقلانیت ارزش ها

عقلانیت ارزش ها، معماری نظام ارزشی و اخلاقی و تنظیم مناسبات هنجاری انسان را برعهده دارد. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲) معماری نظام ارزشی، در قسمت های مختلف کلام آیت الله ناصری علیه السلام بیان شده است. به نظر می رسد کتاب رسم بندگی (ناصری دولت آبادی، ۱۴۰۱ ب) که شرح فرازهایی از خطبه همام را دربر دارد، بیشترین سهم از تربیت عقلانیت ارزش ها در کلام این عالم ربانی را به خود اختصاص داده است. در ادامه، به دو مورد آن اشاره می شود:

۲-۱. معرفت غلام در تبیین نظام ارزشی و اخلاقی شب زنده داری

آیت الله ناصری علیه السلام در قالب یک داستان، به تبیین نظام ارزشی و اخلاقی پرداخته است. ایشان داستان غلامی را مطرح می کند که ارتباط او با خدا بسیار خوب بوده و واجبات را انجام می داد و محرمات را ترک می کرد. در حقیقت، بنده خدا بود و بنده نفسش نبود. روزی شخصی، غلام را خرید. غلام یکی دو سه شب دید که مولا از اول شب تا صبح می خوابد. با خودش گفت: این طور نمی شود. نصف شب مولا را صدا زد و گفت: این قافله حرکت کرده؛ آن ها که خواهان سیر الی الله هستند، آن ها که با خدا کار دارند، آن ها که می خواهند پرونده گناهان گذشته شان را ببندند، به سوی خدا می روند و قافله آن ها حرکت کرده؛ بلند شو. گفت: بگذار بخواییم، خدا کریم است. گفت: باشد. یک ساعت بعد، دوباره مولا را صدا زد و گفت: مولا! قافله رفته، عقب ماندیم. گفت: بگذار بخواییم، خدا کریم است. اذان شد و بعد از آن، دوباره غلام گفت: مولا بلند شو؛ دیگر نزدیک آفتاب است.

فردا که شد، مولا برده خود را بر سر زمین های خود برد. دستور لازم را برای آباد کردن آن ها داد و گفت: این زمین را شخم بزن. غلام، زمین را شخم زد و برای کشت آماده کرد. مولا گندم به او داد و گفت این گندم ها را در زمین بپاش. بعد از مدتی، سراغ کشتزار رفتند و دیدند جو سبز شده. مولا گفت: مگر زمین ما نیست، چرا جو سبز شده؛ در حالی که من به تو گندم داده بودم؟ غلام گفت: آن ها را به همسایه دادم و به جای آن جو گرفتم، گفتم: خدا کریم است، ان شاء الله گندم سبز می شود. مولا گفت: چقدر تو نادانی چگونه می شود جو کاشت و گندم درو



کرد؟! بنده هم گفت: مولا! چه کسی از اول شب تا صبح خوابید و روز قیامت سرفراز شد؟! و به این وسیله مولایش را تنبیه کرد. اینکه همیشه بگوییم: خدا کریم است، نمی‌شود. باید در خانه خدا برویم و جزع و فرح کنیم. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱ ب: ۴۷)

۲-۲. معماری نظام ارزشی در تبیین گریان نبودن چشم‌هایی در قیامت

دین اسلام ضمن توجه کامل و همه‌جانبه به آن‌چه در اصلاح جامعه اسلامی و مسلمانان دخالت دارد، هیچ‌گاه مردم را به خود واگذار نکرده است. یکی از راه‌های سلامت افراد، توجه به عاقبت امور است؛ بر این اساس، در روایت معتبری از امام صادق علیه السلام آمده است: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ أَوْ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۸۲، ح ۴) همه چشم‌ها روز قیامت گریان هستند مگر سه دسته: یک) چشمی که از محرمات، چشم‌پوشی نموده باشد. دو) چشمی که در دل شب، برای عبادت خدا بیداری کشیده باشد. سه) چشمی که در تاریکی شب، از خشیت الهی گریسته باشد. طبق این روایت، همه چشم‌ها گریان است؛ مگر سه چشم؛ گروهی که چشم‌های خود را از محارم الهی کنترل کنند و به نامحرم نگاه نکنند. حاج آقا رحیم ارباب علیه السلام در مدت عمر خود، به نامحرم نگاه نکرده است. طایفه دوم، کسانی که شب و نصف شب بلند شد، دعا خواند، قرآن خواند، ذکر گفت و با خداوند انس گرفت؛ چشم این اشخاص هم گریان نیست؛ ولو اینکه سحر پاشده و خوابش نبرده، نشسته جای خورده. همین هم خوب است. لازم نیست حتما دعا بخوانید؛ بیداری شب، اثر دارد. بنشینید و مقداری در عظمت خدا فکر کنید که من کجا بودم؟ کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ چه کسی من را اینجا آورده؟

طایفه سوم، کسانی هستند که در دل شب، از غصه خدا گریه می‌کنند. خدا شاهد است؛ همین که بنده به گناه اقرار کرده، چشم او پر آب شد، خداوند به او با نظر رحمت می‌نگرد. یک قطره اشک که روی گونه او می‌آید، همه پرونده‌ها را بایگانی می‌کند و این چشم، روز قیامت دیگر گریان نیست. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱ ب: ۲۰۸-۲۰۹).

۳. عقلانیت ابزاری

عقلانیت ابزاری؛ مهندسی، اندازه‌گیری، پیش‌بینی و تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای





نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی را برعهده می‌گیرد. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۸: ۸۲) تربیت عقل ابزاری نیز با شیوه خاص خود، در منابع دینی، از جمله کلام آیت‌الله که نشأت گرفته از قرآن و کلام معصومان علیهم‌السلام است، وجود دارد.

۳-۱. تلاش برای ارزاق تقسیم شده

قرآن در باب تقسیم ارزاق فرموده: «لَنْ نَقْسِمَ لَكُمُ الرِّزْقَ إِلَّا عَلَىٰ مَا كُنَّا نَقْسِمُ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زخرف: ۳۲) در کلام امیرالمومنین علیه‌السلام هم آمده است: «وَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ». (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳) همچنین در قرآن آمده: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَىٰ اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) رزق و روزی همه موجودات با خداست؛ پس چرا باید برای کسب روزی تلاش کنیم؟ ما از فردا می‌رویم در خانه می‌خواهیم، خدا خودش عنایت می‌کند و روزی ما را می‌دهد. آیا این درست است؟ به این سوال دو گونه جواب می‌توان داد: جواب اول، این است که خداوند می‌فرماید: «لَنْ نَقْسِمَ لَكُمُ الرِّزْقَ إِلَّا عَلَىٰ مَا كُنَّا نَقْسِمُ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زخرف: ۳۲) من برای معیشت شما زمینه‌سازی می‌کنم، خودت برو دنبال آن. این که فرمود: ما رزق بنده‌ها را تقسیم کردیم؛ یعنی من زمینه‌سازی می‌کنم برای رزق شما که بروید دنبال آن و از آنجا استفاده ببرید. معنای «فَقَسَمْنَا» این است. بعضی از مفسران این‌طور معنا کرده‌اند و به کارمند دولت مثال زده‌اند.

حقوق کارمند دولت را، مسئول آن اداره تضمین کرده است؛ اما به شرط اینکه هر روز سر کار برود و ساعت کار خود را ثبت کند. اگر سر کار نرود و لیست حضور خود را پر نکند، چگونه می‌تواند فیش حقوق داشته باشد؟ آن مدیر، آن مسئول اداره، حقوقت را تضمین کرده، مشروط بر اینکه در اداره حاضر بشوی. حضرت حق هم همین‌طور است؛ رزق ما را تقسیم و تضمین نموده و برای رزق ما تصویب اسباب کرده است. اسباب و مقتضیات آن را برای ما جور کرده، ما باید خودمان دنبال آن برویم. روایات زیادی در این زمینه وجود دارد؛ در باب تجارت بسیار سفارش شده که زحمت بکشید، کاسبی کنید، تجارت کنید تا هم خودتان سود ببرید هم سود شما به مردم برسد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۴۸؛ حرعاملی، بی‌تا، ۱۲: ۵۵-۶۶)

در روایتی آمده: امیرالمومنین علیه‌السلام به بصره تشریف آوردند، به یکی از اصحاب خود فرمودند: تو برادر داشتی، او کجاست؟ گفت: گوشه‌ای نشسته و مشغول عبادت و اطاعت حق است. فرمودند: زن و بچه‌اش را چه کسی اداره می‌کند؟ عرض کرد: یا علی! زن و بچه‌اش را من اداره می‌کنم. خرج خود او را هم من می‌دهم. حضرت فرمودند: به مراتب، افضل از او هستی؛ «وَأَنَّ



لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿﴾. (نجم: ۳۹) (ناصری دولت آبادی، ۱۴۰۱: ۱۳۷-۱۳۸)

حدیثی با مضمون داستان فوق، در کافی آمده که چنین است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي طَالِبِ الشَّعْرَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقِيلَ لَهُ أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ قَالَ فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْْبُدُ رَبَّهُ قَالَ فَرِنَ أَيُّنَ قُوْتُهُ قِيلَ مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ اللَّهُ لِلَّذِي يَقُوْتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۷۸)

۳-۲. راهکار توسعه رزق

در روایتی از حضرت سجاد عليه السلام حکایت شده است: «لَا تَتَمَنَّ أَنْ قَبَلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنِّي أَكْرَهُهَا لَكَ إِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ فِي ذَلِكَ أَلْوَقَاتِ الْعِبَادِ عَلَى أَيِّدِنَا يُجْرِيهَا». (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۳۴۳، ح ۹) دوست ندارم و نمی‌پسندم که شما قبل از طلوع آفتاب بخوابید؛ زیرا خداوند رزق هر کسی را قبل از طلوع آفتاب، به دست ما (اهل بیت علیهم السلام) تقسیم می‌کند.

علمای اخلاق، دستور بر بیدار بودن در بین الطلوعین می‌دهند که این بیداری، اثر بسزایی دارد. بیداری در این زمان، هم از جهت جنبه‌های روحانی، هم برای جنبه‌های جسمانی و هم برای توسعه رزق اثر دارد. یکی از بزرگان در نجف اشرف، به امیرالمؤمنین عليه السلام توسل‌اتی پیدا کرد و عرض کرد: «یا علی! تو خودت نان جو می‌خوردی، من نمی‌توانم. زندگی خرج دارد، یک فکری برای ما بکن. ما به شما پناه آوردیم.» آن روز و فردا و این ماه و آن ماه، خبری نشد؛ یک روز عصبانی شد و به حرم رفت و گفت: «یا علی! دیگر نمی‌توانم صبر کنم. یک فکری برای من بکن.» شب، حضرت را در خواب دید، فرمودند: «برو اهواز، فلان جا، کارت اصلاح می‌شود. بلند شد و رفت همان جایی که حضرت فرموده بود. شخصی به او گفت: «آقا فرمودند: بین الطلوعین بیدار باش؛ توسعه رزق شما تضمین شده است.» می‌پرسد: «آقا کیست؟» جواب می‌دهد: «حضرت بقیة الله عليه السلام فرمودند: بین الطلوعین بیدار باش؛ توسعه رزق شما تضمین شده است.»

آیت الله ناصر عليه السلام می‌فرماید: غرض اینکه در روایات متعددی وارد شده که بین الطلوعین انسان بیدار باشد. اول وقت نماز، بیدار باش و نمازت را بخوان. تعقیبت را بخوان و بیدار باش. هم برای روح، هم برای جسمت و هم برای توسعه رزقت اثر دارد. طبق روایت حضرت سجاد عليه السلام که می‌فرمایند: زیرا خدا به دست ما رزق‌ها را میان بندگان تقسیم می‌کند. این





مطلب را امام سجاد علیه السلام که مسئولیت عالم وجود به عهده شان بود، می‌گویند. الآن هم حضرت بقیة الله علیه السلام مسئولیت عالم وجود را دارد، رزق جمیع مخلوقات به دست مبارکشان تقسیم می‌شود. (ناصری دولت‌آبادی، ۱۴۰۱: ۳۶-۳۷).

نتیجه

به نظر می‌رسد در کلام علما، همه اقسام عقلانیت، مورد تربیت واقع شده است. عقلانیت بنیادین با تنظیم رابطه با جهان به وسیله تبیین مدیریت عالم وجود و کاربرد تمثیل در تنظیم ارتباط با ولی خدا به همراه بیان نکات و تحلیل روایات. عقلانیت ارزش‌ها با بیانات ایشان در کتاب رسم بندگی که شرح فرازهایی از خطبه همام را دربر دارد، بیشترین سهم از تربیت عقلانیت ارزش‌ها در کلام این عالم ربانی را به خود اختصاص داده است که معرفت غلام در تبیین نظام ارزشی و اخلاقی، شب‌زنده‌داری و همچنین معماری نظام ارزشی در تبیین چشم‌هایی که گریان نیست، نمونه‌هایی از آن می‌باشد. عقلانیت ابزاری برای رسیدن به نعمات دنیوی است؛ البته در مورد سوم، باید گفت: گرچه راهکارهای تنظیم محاسبات معیشتی انسان برای نیل به رفاه مادی، شکوفایی اقتصادی و آبادی دنیوی وجود دارد؛ لیکن ابزاری برای نیل به سعادت اخروی است. اگر کسی در مرحله اول متوقف شود، طبق فرموده خداوند متعال، بهره و نصیبی از آخرت نخواهد داشت. آیت الله با بیان تأویل آیات، به پرورش اندیشه در آیات پرداخته و جنبه‌های مختلف تأویل و تبیین را مطرح کرده است. ایشان ضمن کنار گذاشتن عقل‌گرایی افراطی، عقل‌ستیزی را نیز نمی‌پذیرند؛ خردورزی یکی از ارزش‌های بنیادین و نمادین تربیت اسلامی است. عقل در هندسه معرفتی اسلام، منزلت و جایگاه مهمی دارد. اسلام، متدین متفکر می‌خواهد. چنین مسیری از جانب دین اسلام، در اندیشه ناب علمای اسلامی، به وضوح قابل مشاهده و دریافت می‌باشد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. ابن سینا، (۱۳۸۳)، رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات،



چ ۲، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.

۲. ابن طاووس، سید رضی الدین، (۱۴۱۹ق)، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، قم، مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چ ۳، بیروت، دار صادر.

۴. اخوان الصفا، (۱۴۱۲ق)، رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، بیروت، الدار الاسلامیة.

۵. باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۶. باقری، خسرو، (۱۳۹۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چاپ سی و نهم، تهران، انتشارات مدرسه.

۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء.

۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۲ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، (بی تا)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۶)، سیری در تربیت اسلامی، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر.

۱۲. راغب اصفهانی حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.

۱۳. رحیم پور ازغدی، حسن، (۱۳۸۸)، عقلانیت بحثی در مبانی جامعه شناسی توسعه، تهران، طرح فردا.

۱۴. زکی زاده، علیرضا طائبی اصفهانی، فاطمه، (۱۳۹۹)، «نگرشی بر جامعیت قرآن از روزنه تربیت عقلانی»، مطالعات قرآنی، شماره ۴۲.

۱۵. ساجدی، ابوالفضل و خطیبی، حسین، (۱۳۹۲)، مفهوم تربیت عقلانی در سبک اسلامی تربیت





- دینی، مجله معارف، شماره ۹۷.
۱۶. صفار قمی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، چ ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۷. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
۱۸. علوی، سید حمیدرضا، (۱۳۹۳)، *تربیت عقلانی*، مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۹.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۰. قرضاوی، یوسف و سلیمی، عبد العزیز، (۱۳۸۲)، *قرآن منشور زندگی*، تهران، احسان.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. گروهی از نویسندگان، (۱۳۹۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۴. مهدوی، مصلح الدین، *اعلام اصفهان*، اصفهان، بی تا، سازمان فرهنگی تفریحی اصفهان.
۲۵. ناصری دولت آبادی، محمد علی، (۱۴۰۱ الف)، *در امتداد نور (گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری درباره آیات تاویل شده به امام عصر عجل الله تعالی فرجه)*، تحقیق محمود مطهری نیا، قم، انتشارات خلق دار الهدی.
۲۶. _____، (۱۴۰۱ق)، *رسم بندگی (گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری در شرح فرازهایی از خطبه متقین)*، تدوین سید حبیب حسینی رنانی، قم، انتشارات خلق دارالهدی.
۲۷. _____، (۱۴۰۱)، *سخن دوست (گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه)*، تحقیق سید حبیب حسینی رنانی، قم، انتشارات خلق دارالهدی.
۲۸. نجاتی، محمد عثمان، (۱۳۸۵)، *علم النفس*، ترجمه سعید بهشتی، تهران، رشد.
۲۹. هادی زاده، مجید، (۱۴۰۱)، *آب حیات گزیده از سخنان حضرت آیت الله ناصری درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه*، چاپ ششم، قم، انتشارات خلق.
۳۰. همامی، عباس و علی اکبر زاده، حامد، (۱۳۹۱)، *عقل و نقش آن در تفسیر از نگاه مکتب تفکیک*، پژوهش های دینی، شماره ۲۴.